

گزارش

روایت سفری در میانه آتش‌بسی مترزلز که می‌تواند سرنوشت یک جنگ را تعیین کند

از پیام پاکستان تا ابهام آمریکا

شرق: دیپلماسی‌گه گاه از مسیره‌های شناخته‌شده عبور نمی‌کند؛ گاه در قالب نامه‌ای مهروموم‌شده که محتوای آن به اندازه نفس وجودش حیاتی است، خود را نشان می‌دهد. سفر شنبه‌شب «محسن نقوی»، وزیر کشور پاکستان، به تهران و تحویل پیام مکتوب اسلام‌آباد به مقامات عالی جمهوری اسلامی ایران، بی‌تردید یکی از مهم‌ترین رویدادهای دیپلماتیک ماه‌های اخیر است. اما آنچه این سفر را از یک رفت‌وآمد معمولی فراقر می‌برد، نه‌فقط هویت فرستندگان پیام (فیلد مارشال عاصم منیر و شهباز شریف) که فضای متشنج و مملو از روایت‌های متضادی است که این روزها پیرامون مذاکرات ایران و آمریکا شکل گرفته است.

نامه‌ای سر بسته، روایت‌هایی باز

شنبه‌شب محسن نقوی که با سمت وزارت کشور پاکستان عازم تهران شد، در بدو ورود و در دیدار با «اسکندر مؤمنی»، همتای ایرانی خود، تأکید کرد حامل «پیامی ویژه درباره شرایط فعلی» است. سپس صبح یکشنبه در دیدار با «سعیدعباس عراقچی»، وزیر امور خارجه، نامه مکتوب خطاب به رهبر انقلاب را به او تحویل داد. نقوی در اظهاراتی صمیمانه، روابط دو کشور را «برادرانه» خواند و گفت: «هنگامی که مشکلی برای یکی از برادران پیش می‌آید، برادر دیگر نیز آن را احساس خواهد کرد». با این حال، محتوای این نامه همچنان در هاله‌ای از ابهام باقی مانده است. رسانه‌هایی نظیر «الحدث» به نقل از منابع دیپلماتیک ادعا کرده‌اند پیام نقوی احتمالا حاوی موافقت آمریکا با «کاهش تحریم‌ها» است. اما آنچه این ابهام را پیچیده‌تر می‌کند، هم‌زمانی این سفر با انتشار گزارش‌های ضدونقیض از سوی رسانه‌های غربی است؛ گزارش‌هایی که اگر کنار هم قرار بگیرند، تصویری از «تعطیل میان جنگ و صلح» را ترسیم می‌کنند، نه یک روند خطی رو به جلو.

رویتزر و معمای دارایی‌های بلوکه‌شده

در یکی از نگران‌کننده‌ترین سناریوهای مطرح‌شده، خیرگزاری رویتزر مدعی شده است دولت ایالات متحده در حال بررسی سازوکاری برای استفاده از دارایی‌های بلوکه‌شده ایران (حدود ۲۴ میلیارد دلار) برای تأمین هزینه‌های بازسازی و جبران خسارات ناشی از حملات منتسب به ایران در منطقه خلیج فارس است. بر اساس این گزارش، وزارت خزانه‌داری آمریکا مأمور شده میزان خسارات واردشده به شرکای عربی و واشینگتن را ارزیابی کرده و راهکارهایی برای انتقال این منابع به کشورهای مانند عربستان و امارات ارائه دهد. اگر این گزاره صحت داشته باشد، نه‌تنها آزادسازی دارایی‌های ایران متغنی می‌شود، بلکه این منابع به ابزاری برای فشار مضاعف تبدیل خواهند شد. تحلیلگران سیاسی این رویکرد را نشانه‌ای از تشدید راهبرد «بازی با مجموعه صفر» از سوی واشینگتن ارزیابی می‌کنند؛ راهبردی که در آن هر گام دیپلماتیک با اهرم‌های اقتصادی و حقوقی خنثی می‌شود. اسماعیل بقالی، سخنگوی وزارت خارجه، تأکید کرد: «آمریکا در موضوع دارایی‌های بلوکه‌شده هیچ امتیازی ارائه نمی‌دهد. باید تحریم‌ها را متوقف کرده و امکان دسترسی ایران به این منابع را فراهم کند».

پولیتیکو و مهندسی «مصالحه قابل ارائه»

در سوی دیگر میز، نشریه پولیتیکو در گزارشی مدعی شده دولت آمریکا به‌دنبال طراحی چارچوبی است که در آن هرگونه توافق با ایران به‌گونه‌ای تنظیم شود که از نظر سیاسی برای واشینگتن «قابل فروش» و «قابل تبلیغ» باشد. سناریوهای مطرح‌شده شامل استفاده ایران از خطوط اعتباری به‌جای دریافت مستقیم منابع مالی، یا سازوکارهای غیرمستقیم برای بهره‌برداری اقتصادی محدود در ازای تعهدات سیاسی است. به عبارتی، واشینگتن به‌دنبال «توافقی بدون امتیاز ظاهری» است؛ چیزی که بقایی در مصاحبه خود آن را «تغییرات مداوم در مواضع و جابه‌جایی خطوط قرمز» توصیف کرد. از سوی دیگر، نوالدین الدغیر، خبرنگار الجزیره در تهران، مدعی شده است پیش‌نویس یک یادداشت تفاهم (MoU) میان ایران و آمریکا در برخی نهادهای داخلی در حال بررسی است و احتمال دارد در هفته‌های پیش‌رو شاهد تحولات مهمی باشیم. اما این ادعا نیز با اظهارات احتیاط‌آمیز مقامات ایرانی همراه است. بقالی در همان گفت‌وگو تصریح کرد: «یکی از محورهای اصلی اختلاف، ضرورت به رسمیت شناختن حقوق ایران از جمله حق غنی‌سازی صلح‌آمیز طبق معاهده NPT است. همچنین عدم پایبندی آمریکا به آتش‌بس اخیر و حمله به کشتی‌های تجاری در تنگه هرمز و آب‌های بین‌المللی، وضعیت را بسیار ناپایدار و خطرناک کرده است».

جابه‌جایی موضوعی؛ از هسته‌ای تا هرمز

آنچه از میان این روایت‌های متضاد به دست می‌آید، واقعیتی تلخ است: تمرکز مذاکرات جاری بر موضوعاتی چون آزادسازی بخشی از منابع مالی مسدودشده (و نه همه آن) و بازکنشایی تنگه هرمز عسلا جایگزین مباحث بنیادینی چون «رفع ساختاری تحریم‌ها» یا «تعیین تکلیف نهایی پرونده هسته‌ای» شده است. گزارش کامل را در سایت «شرق» بخوانید

حاصل این تلاش‌ها آن بود که برای نخستین‌بار، در مواجهه میان یک قدرت بزرگ جهانی و کشوری که می‌توان آن را در زمره قدرت‌های متوسط منطقه‌ای دانست، شرایطی نسبتا متوازن برای مذاکره ایجاد شد. این وضعیت یک فرصت محسوب می‌شود و به اعتقاد من باید از آن به درستی صیانت کرد.

به‌ویژه‌آنکه توان دفاعی ایران به اندازه‌ای بازدارنده بوده که در مقاطع مختلف مانع از بازگشت آمریکا به گزینه جنگ شده است. اگر به خاطر داشته باشید، سه روز پس از پایان جنگ ۱۲روزه، در مصاحبه‌ای تأکید کردم حاصل حدود سه دهه سیاست دفاعی ایران، به‌ویژه در مناطق جنوبی کشور، ایجاد ظرفیت بازدارندگی در برابر تهدید و تهاجم آمریکا بوده است و این مسئله در جریان جنگ خود را نشان داد. در تمام این سال‌ها تلاش کردم هشدارهای لازم را برای جلوگیری از وقوع جنگ مطرح کنم؛ زیرا همواره معتقد بوده‌ام جنگ، نشانه شکست سیاست‌مداران است. حتی در طول جنگ نیز فقط یک مصاحبه انجام دادم. با وجود همه محدودیت‌ها، موفق شدم پیامی ارسال کنم و در آن هشدار دادم اگر تأسیسات هسته‌ای ایران هدف قرار بگیرد، جنگ وارد مرحله‌ای بسیار خطرناک و غیرقابل کنترل خواهد شد. طبیعتا تصمیمات کلان جنگ و صلح تحت تأثیر عوامل متعددی اتخاذ می‌شود. اما متعقدم ترامپ نیز به‌خوبی می‌دانست گسترش جنگ می‌تواند آن را به مرحله‌ای بسیار پرهزینه و غیرقابل پیش‌بینی تبدیل کند. به همین دلیل در مجموع به این نتیجه رسید که از طریق جنگ به اهداف مورد نظر خود دست نخواهد یافت.

از این منظر، همین که یک قدرت بزرگ به این جمع‌بندی برسد که ابزار نظامی نمی‌تواند اهدافش را تأمین کند، خود یک فرصت مهم برای دیپلماسی محسوب می‌شود. به همین دلیل، من مذاکرات دومرحله‌ای را که اکنون مطرح می‌شود قابل فهم می‌دانم. در مرحله نخست، صحبت از یک تفاهم اولیه است. نه یک توافق جامع. هدف از این تفاهم آن است که مسائل فوری و اضطراری مدیریت شود تا زمینه برای مذاکرات بعدی فراهم شود. این نشان می‌دهد طرفین هم مطالبات فوری دارند و هم مطالبات بنیادین. مطالبات فوری شامل مسائلی نظیر رفع محدودیت‌های اقتصادی، پایان محاصره‌های عملی، تسهیل بازگشت منابع مالی ایران و ایجاد شرایط مناسب برای بازسازی پس از جنگ است. اما در کنار اینها، اختلافات بنیادینی نیز وجود دارد که حل آنها به زمان بیشتری نیاز خواهد داشت. با این حال، معتقدم اگر ایران و آمریکا نتوانند اختلافات بنیادی خود را حل کنند، خطر شکل‌گیری یک جنگ دیگر میان ایران، آمریکا و اسرائیل همچنان وجود خواهد داشت.

❌ اجازه بدهید در همین نقطه نکته‌ای را مطرح کنم. اتفاقا خود دونالد ترامپ نیز در مقطعی گفته بود باید همه اختلافات میان ایران و آمریکا از سال ۱۳۵۷ تاکنون مورد بحث قرار گیرد. اما در همان زمان، خود ترامپ و افرادی مانند جیمی دی ونس و مارکو روبریو نیز تصریح می‌کردند مسائل انباشته‌شده طی نزدیک به نیم‌قرن را نمی‌توان ظرف چند هفته یا چند ماه حل کرد. با توجه به آنچه در دو جنگ تحمیلی اخیر رخ داده و با در نظر گرفتن عمق بی‌اعتمادی‌ها و کینه‌هایی که ایجاد شده، آیا واقعا می‌توان امیدوار بود این حجم از اختلافات ظرف دو یا سه ماه حل‌وفصل شود؟

به‌هیچ‌وجه چنین چیزی امکان‌پذیر نیست

❌ پس جنگ است؟

نه الزما و اتفاقا من به همین دلیل بر دومرحله‌ای بودن روند مذاکرات تأکید دارم که می‌تواند راهگشا باشد.

❌ ولی طیفی هم بر همین دومرحله‌ای‌بودن توافق نقد دارند و از توافق یک‌مرحله‌ای و جامع می‌گویند؟

اساسا هیچ‌کس نمی‌تواند انتظار داشته باشد اختلافات انباشته‌شده طی ۴۷ سال در چند هفته یا چند ماه برطرف شود. آنچه اکنون مطرح است و واقع‌بینانه خواهد بود، همان توافق دومرحله‌ای است. یعنی در مرحله نخست یک تفاهم است، نه یک توافق جامع. تفاهمی که بتواند نیازهای فوری طرفین را مدیریت کند؛ از جمله بازشدن مسیرهای حیاتی اقتصادی، کاهش فشارهای ناشی از محدودیت‌های دریایی و آزادسازی بخشی از منابع مالی کشور برای عبور از شرایط پس از جنگ. اما موضوع توافق بنیادین کاملا متفاوت است. به اعتقاد من، هیچ کشوری در جهان اختلافات بنیادین و راهبردی خود را با یک قدرت بزرگ و مسلح کهنه نمی‌کند؛

تندروها از تنش ارتزاق می‌کنند



زیرا در نهایت شرایطی مشابه آنچه طی یک سال اخیر شاهد بودیم به وجود می‌آید؛ یعنی عواملی ثالث وارد میدان می‌شوند و همین اختلافات حل‌نشده را به آتش یک بحران بزرگ تبدیل می‌کنند. ما به‌وضوح دیدیم اسرائیل چنین نقشی را ایفا کرد. حتی برخی کشورهای عربی منطقه نیز که شاید در مقطعی نگاه متفاوتی داشتند، امروز به‌خوبی دریافته‌اند

تشدید تنش علیه ایران تا چه اندازه می‌تواند به ضرر ثبات منطقه تمام شود. نکته مهم این است که اکنون درباره «مذاکره پس از جنگ» صحبت می‌کنیم. بدیهی است که هر جنگ خونینی با خود تلفات بیشتر، زخم‌های عمیق‌تر و کینه‌های گسترده‌تری به همراه می‌آورد. اما در عین حال، تاریخ نشان داده است تقریبا همه جنگ‌ها در نهایت به نوعی توافق و مذاکره ختم شده‌اند. حتی پس از دو جنگ جهانی نیز در نهایت مسیر گفت‌وگو و توافق در پیش گرفته شد. به اعتقاد من، اگر طرفین از تقلبات سیاسی برخوردار باشند، باید مذاکرات را در مبنای یک حاصل جمع مثبت طراحی کنند؛ یعنی توافقی که منافع هر دو طرف را در نظر بگیرد، نه توافقی که صرفا بر پایه شکست یک طرف و پیروزی طرف دیگر استوار باشد. در اینجا می‌توان به تجربه تاریخی جان مینارد کینز اشاره کرد. او پس از جنگ جهانی اول ازجمله کسانی بود که هم‌زمان با دنیایند توافقی یک‌جانبه و تحقیرآمیز علیه آلمان شکل بگیرد. استدلال او این بود که چنین توافقی، عقده‌ها و کینه‌هایی را ایجاد خواهد کرد که در آینده زمینه‌ساز جنگی دیگر خواهد شد. بعدها نیز دیدیم که این تحلیل تا چه اندازه درست بود.

از همین منظر، ایران و آمریکا اگر واقعا به دنبال امنیت منطقه‌ای و تأمین منافع ملی خود هستند، باید به سمت یک توافق برد-برد حرکت کنند. البته برخی معتقدند آمریکا اساسا به دنبال تداوم تنش و جنگ است و حتی در ماه‌های اخیر نیز ادعاهایی درباره تبدیل‌شدن ایران به وضعیتی مشابه غزه مطرح شده است. اما من چنین تحلیلی را نمی‌پذیرم. اگر کسی واقعا معتقد باشد سرنوشت ایران قرار است به چنین نقطه‌ای برسد، در واقع باید بپذیرد که از ابتدا ورود به فضای جنگی یک اشتباه راهبردی بوده است.

از سوی دیگر، نباید چالش‌های اقتصادی و راهبردی آمریکا را نیز نادیده گرفت. ایالات متحده در دوره ترامپ قراردادهای اقتصادی بسیار بزرگی در منطقه منعقد کرده است. اما جنگ نشان داد که استمرار بی‌ثباتی می‌تواند اجرای بسیاری از این برنامه‌ها را با مشکل مواجه کند. به همین دلیل، معتقدم همان‌گونه که ایران به توافق نیاز دارد، آمریکا نیز به توافق نیازمند است. بااین‌حال، مشکل آنجاست که طرفین همچنان اختلافات ۲۷ سال گذشته را با خود حمل می‌کنند و زخم‌های ناشی از جنگ اخیر را نیز به آن افزوده‌اند. طبیعی است که در چنین شرایطی، دستیابی به یک توافق پایدار دشوارتر خواهد شد.

❌ تحلیلی که ارائه می‌دهید تا چه اندازه مبتنی بر واقعیت‌های میدانی است و تا چه اندازه بر پایه امید به تحقق یک توافق؟
به‌شخصه معتقدم تحلیل باید براساس واقعیت‌ها انجام شود، نه آرزوها. به همین دلیل نیز عرض می‌کنم که اگر جنگ

از سوی دیگر، نباید چالش‌های اقتصادی و راهبردی آمریکا را نیز نادیده گرفت. ایالات متحده در دوره ترامپ قراردادهای اقتصادی بسیار بزرگی در منطقه منعقد کرده است. اما جنگ نشان داد که استمرار بی‌ثباتی می‌تواند اجرای بسیاری از این برنامه‌ها را با مشکل مواجه کند. به همین دلیل، معتقدم همان‌گونه که ایران به توافق نیاز دارد، آمریکا نیز به توافق نیازمند است. بااین‌حال، مشکل آنجاست که طرفین همچنان اختلافات ۲۷ سال گذشته را با خود حمل می‌کنند و زخم‌های ناشی از جنگ اخیر را نیز به آن افزوده‌اند. طبیعی است که در چنین شرایطی، دستیابی به یک توافق پایدار دشوارتر خواهد شد.

❌ اگر شد چطور؛ فرض محال که محال نیست؟
به اعتقاد من، اگر روزی تصمیم گرفته شود منابع

بلوکه‌شده ایران در قالب طرح‌هایی میان کشورهای دیگر توزیع شود، این به معنای شکست کامل دیپلماسی و ورود

طرفین به یک مسیر تقابلی جدید خواهد بود. در مورد لبنان نیز واقعیت این است که این پرونده در سال‌های اخیر به شکل‌های مختلف با روابط ایران و آمریکا و همچنین تحولات

می‌توانست منافع آمریکا را تأمین کند. اساسا آتش‌بس شکل نمی‌گرفت.

❌ ولی این وضعیت بلا تکلیفی برای آمریکا هم به هر شکلی که شده باید تمام شود؛ ترامپ نبامده که منطقه را در این وضعیت پادروها رها کند. یعنی نمی‌تواند رها کند؟

همان‌گونه که اشاره کردم، آمریکا و شخص ترامپ در مقاطع مختلف در آستانه گسترش جنگ قرار گرفتند، اما هر بار از این عقب‌نشینی کردند. اینها شاخص‌هایی است که باید در تحلیل مورد توجه قرار گیرد. از سوی دیگر، فارغ از شعارهایی که برخی جریان‌های افراطی مطرح می‌کنند، معتقدم اراده‌ای که امروز برای دستیابی به توافق وجود دارد، از بسیاری جهات جدی‌تر از دوره‌های پیشین، ازجمله دوران مذاکرات زنو است. دلیل آن نیز روشن است؛ کشور تجربه یک جنگ را پشت سر گذاشته است. کسانی که معتقد بودند تقابل لزوماً به جنگ منتهی نمی‌شود، مشاهده کردند که این تقابل در نهایت به جنگ انجامید. بااین‌حال، بسیاری از همان افراد هیچ مسئولیتی در قبال تحلیل‌های نادرست خود نپذیرفتند و همچنان همان شعارهای گذشته را تکرار می‌کنند.

واقعیت این است که جنگ خسارت‌های زیادی برای ایران به همراه داشت. در کنار آن، کشورهای عربی منطقه نیز به روشنی دریافته‌ند که گسترش جنگ تا چه اندازه می‌تواند امنیت و ثبات آنها را تهدید کند. برای مثال، پس از برخی حملات و پیامدهای ناشی از درگیری‌های منطقه‌ای، شاهد تغییر محسوس مواضع برخی کشورهای عربی، ازجمله اسارات متحده بودیم. این کشورها به تدریج به این نتیجه رسیدند که هرگونه گسترش دامنه جنگ می‌تواند موجودیت و امنیت اقتصادی آنها را نیز با خطر مواجه کند. به همین دلیل، معتقدم اکنون یک واقعیت جدید شکل گرفته است؛ واقعیتی که براساس آن، همه بازیگران منطقه‌ای دریافته‌اند اگر جنگ دیگری رخ دهد، طرف‌ها از تمامی ابزارهای خود استفاده خواهند کرد و هزینه‌های آن بسیار سنگین‌تر از گذشته خواهد بود. این یک واقعیت عینی است و تحلیل من نیز بر همین اساس شکل می‌گیرد.

❌ آن اخبار و گزارش‌ها درباره توزیع اموال ایران و نیز پرونده لبنان را چطور می‌بیند؟

درباره موضوع دارایی‌های بلوکه‌شده ایران، باید توجه داشت که این منابع یکی از مهم‌ترین برگ‌های برنده آمریکا در هرگونه مذاکره محسوب می‌شود. ترامپ به خوبی می‌داند که این دارایی‌ها یک اهرم مهم در فرایند چانه‌زنی هستند. به همین دلیل، بعید می‌دانم به سادگی حاضر شوند این برگ برنده را در اختیار دیگران قرار دهد؛ مگر آنکه اساسا به این نتیجه رسیده باشد که مذاکرات شکست خورده و مسیر تقابل و جنگ در پیش گرفته خواهد شد.

❌ اگر شد چطور؛ فرض محال که محال نیست؟
به اعتقاد من، اگر روزی تصمیم گرفته شود منابع بلوکه‌شده ایران در قالب طرح‌هایی میان کشورهای دیگر توزیع شود، این به معنای شکست کامل دیپلماسی و ورود طرفین به یک مسیر تقابلی جدید خواهد بود. در مورد لبنان نیز واقعیت این است که این پرونده در سال‌های اخیر به شکل‌های مختلف با روابط ایران و آمریکا و همچنین تحولات

منطقه‌ای پیوند خورده است؛ ازاین‌رو، جداکردن کامل آن از سایر معادلات منطقه‌ای چندان ساده نیست. البته این موضوع بحث مفصلی را می‌طلبد که شاید از چارچوب گفت‌وگوی فعلی خارج باشد.

❌ برای آخرین پرسشش، مایلیم به موضوع نقش پاکستان اشاره کنم. در سفر شاه‌گاه شنبه محسن نقوی، وزیر کشور پاکستان، به تهران عنوان شد که او حامل نامه‌ای مهم برای رهبری است. این نامه به چه معناست؟

من در جایگاه تصمیم‌گیری کشور قرار ندارم و بالطبع نمی‌توانم درباره جزئیات این روندها و نامه‌نگاری‌ها اظهارنظر قطعی داشته باشم. بااین‌حال معتقدم پاکستان در مقطع کنونی تلاش در دخور توجهی برای کمک به کاهش تنش‌ها و جلوگیری از گسترش بحران انجام می‌دهد. در ادبیات سیاسی ما مفهومی وجود دارد که می‌توان از آن با عنوان «پایمردی» یاد کرد و به نظر من پاکستان در حال انجام چنین نقشی است؛ یعنی تلاش می‌کند زمینه‌های لازم برای جلوگیری از جنگ و کاهش تنش را فراهم کند. متأسفانه در داخل کشور گاه نوعی بی‌مهری نسبت به این تلاش‌ها مشاهده می‌شود، اما به اعتقاد من نباید نقش ایس میانجیگری‌ها را نادیده گرفت. به هر حال، در مقطعی از مسیر مذاکرات، ارتباطات مستقیمی نیز در پاکستان میان طرف‌های مختلف برقرار و گفت‌وگوهایی انجام شد، اما این گفت‌وگوها نتوانست به یک چارچوب عملی و پایدار برای حل اختلافات تبدیل شود. البته درباره علت این مسئله می‌توان بحث‌های مختلفی مطرح کرد و بخشی از آن نیز به طرف آمریکایی بازمی‌گردد، اما آنچه برای من اهمیت بیشتری دارد، وضعیت تصمیم‌گیری در داخل ایران است.

به اعتقاد من، اگر در سیاست خارجی کشور وحدت تصمیم و انسجام لازم وجود نداشته باشد، نته‌تها کمکی به پیشبرد اهداف دیپلماتیک نخواهد کرد، بلکه می‌تواند ممانعی در برابر شکل‌گیری تحولاتی باشد که به سود منافع ملی ایران است. بارها مشاهده کرده‌ام که رسانه‌ها و محافل سیاسی خارجی، کوچک‌ترین اختلاف میان مسئولان کشور را برجسته کرده و سپس این پرسش را مطرح می‌کنند که در ایران چه کسی تصمیم‌گیر نهایی است. طبیعی است که این وضعیت می‌تواند قدرت چانه‌زنی کشور را کاهش دهد. ازاین‌رو معتقدم باید بر مبنای سازوکارهای قانونی موجود عمل کرد. مطابق قانون، نهادهای مشخصی مسئول تصمیم‌گیری درباره پرونده‌های کلان امنیتی و سیاست خارجی هستند و زمانی که تصمیمی در آن چارچوب اتخاذ می‌شود، همه بخش‌ها باید در همان مسیر حرکت کنند.

مشکل دیگری که امروز مشاهده می‌شود، فاصله میان دیپلماسی رسمی و آن چیزی است که می‌توان آن را دیپلماسی عمومی نامید. در بسیاری از موارد، مواضعی که در عرصه عمومی مطرح می‌شود، تفاوت

آشکاری با دیپلماسی رسمی کشور دارد. به نظر من، بخشی از فضای دیپلماسی عمومی در اختیار جریان‌های بسیار تندرو قرار گرفته است؛ جریان‌هایی که گاه چنان سخن می‌گویند که کوبی برای شدیدترین سناریوهای تقابلی نیز آژمادی کامل دارند. اما دیپلماسی رسمی ناگزیر است براساس واقعیت‌های میدانی تصمیم بگیرد، نه بر مبنای شعارها. واقعیت میدانی امروز این است که شرایط نسبتا متوازن برای دستیابی به یک توافق وجود دارد. این فرصت ممکن است دائمی نباشد و به همین دلیل باید از آن به درستی استفاده کرد. از نگاه من، مهم‌ترین وظیفه دستگاه دیپلماسی در شرایط فعلی، آن است که این فرصت را به یک دستاورد پایدار برای منافع ملی ایران تبدیل کند.

نوبت دوم

یک مرحله‌ای همزمان با ارزیابی (یکپارچه) به شماره ۴۰۵/۰۹

خدمات بازرسی و حفاظت فنی در ستاد و مناطق عملیاتی

شماره فراخوان: ۲۰۰۵۰۹۱۸۶۳۰۰۰۱۷

۸. محل و مدت اجرای خدمات: به مدت ۲۴ ماه شمسی در مناطق عملیاتی نفتشهر، چشمه‌خوش، دهلران، سرکان و تک‌بیسجار واقع در استان‌های کرمانشاه، خوزستان، ایلام و لرستان.

۹. پیش برداشت: به میزان یازده درصد نرخ پیشنهادی پیمانکار برنده در مقابل مقابله ارائه تضمین برحسب مطابق با بند ۶ ماده ۱۰ این‌نامه تضمین در معاملات دولتی.

۱۰. مدارک و مستندات الزامی جهت ورود به فرآیند ارزیابی کیفی:

۱-۱۰ بارگذاری فرم استاندارد ارزیابی کیفی تکمیل شده و مدارک و مستندات مربوطه

۲-۱۰ فرم ارزیابی مقدماتی شرکت در مناقصه

۳-۱۰ بارگذاری مدارک حقوقی شرکت شامل:کد تجاری،کد اقتصادی، شناسه ملی، اساسنامه، آگهی تأسیس و آگهی معتبر آخرین تغییرات صاحبان امضا مجاز

۴-۱۰ بارگذاری صورت‌های مالی حسابرسی شده معتبر همراه با گزارش حسابرس مستقل و حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی یا جامعه حسابداران رسمی منتهی پایان به سال ۱۴۰۳ (یا قبایل رؤیت در سامانه جام / پردیس)

۵-۱۰ بارگذاری فرم استاندارد ارزیابی کیفی تکمیل شده و مدارک و مستندات مربوطه

تذکر ۱: در صورتی‌که مدارک مذکور از طریق سامانه‌های مربوطه قابل استاندارد باشند، مورد قبول قرار خواهند گرفت.

تذکر ۲: کلیه ضمیمه‌نامه‌های مادره از بانک‌های پاسارگاد و سه مورد قبول قرار نخواهند گرفت.

۱۱. اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گزار:

آدرس: کرمانشاه- میاندان نفت- بلوار زن - پلاک ۴۲ - کدپستی ۶۷۱۴۶۷۷۴۵ - دبیرخانه کمیسیون مناقصات

مرکز تلفن ۰۸۲-۳۲۱۱۰۰۰۰ / دبیرخانه کمیسیون مناقصات (داخلی ۲۵۱۵)

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل ضوابط در سامانه:

مرکز تماس: ۰۲۱-۴۱۹۴۴ / دفتر ثبت‌نام: ۰۸۹۶۳۶۸ و ۸۵۱۹۳۶۸

شناسه: ۲۱۹۶۲۰۹

نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲۱۶ - نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۳۱۸

روایت عمومی شرکت بهربرداری نفت و گاز غرب

آگهی فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله ای همراه با ارزیابی کیفی

شماره آگهی ۲۱۹۹۵۷۵

مناقصه شماره WSS-۰۱۵۰۷۴۷

با شماره فراخوان ستاد ۲۰۰۵۰۰۱۰۳۴۰۰۰۰۲۱

نوبت اول

مورد نیاز خود را با برگزارى مناقصه عمومی دو مرحله‌ای طبق شرایط زیر از طریق

شرکت نفت و گاز پارس در نظر دارد خرید ۷۵ قلم P/F MITSUBISHI DIESEL ENGINE

یک شرکت واجد صلاحیت تأمین نماید.

شرایط و مدارک لازم جهت دریافت استاندارد ارزیابی کیفی:

الف) داشتن تجربه کافی و مرتبط با موضوع کار

ب) اساسنامه، اظهارنامه ثبت شرکت و آخرین آگهی تغییرات (مندرج در روزنامه رسمی) **ج)** ارائه کد اقتصادی، شناسه ملی

از کلیه اشخاص حقوقی واجد شرایط دعوت می‌گردد بلافاصله پس از چاپ آگهی اول و حداکثر ۳ (سه) روز پس از انتشار آگهی نوبت دوم تا پایان ساعت اداری، به نشانی اینترنتی WWW.SETADIRAN.WW قسمت سامانه مناقصات مراجعه نموده و پس از اخذ کد کاربری و رمز عبور نسبت به دریافت اسناد اقدام نمایند.

کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی کیفی از طریق درگاه سامانه تمارکات الکترونیکی دولت انجام خواهد شد.

لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی پس از برگزاری فرآیند ارزیابی کیفی و ارسال دعوت‌نامه از طریق سامانه ستاد به مناقصه‌گران ارسال خواهد شد.

- عطف به شیوه نامه شماره ۵۲۴۶۹۱/۱۴۰۲ مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۲۰(معاونت محترم مهندسی، پژوهش و فناوری وزارت نفت،در خصوص الزامات استفاده از فهرست بلند منابع واحد دستگاه مرکزی و آزمایشگاه های مرجه وزارت نفت، تأمین کالا و تجهیزات تخصصی مورد نیاز کلیه شرکتهای گستره مشمول در کلیه سطوح و انواع روش های معاملاتی و تأمین کالای انواع قراردادهای EP,EPD,E&P,EPC,PC,P و سایر انواع قراردادهای از فهرست بلند منتشر شده در سامانه "ساخت" (www.sakhtiiov.ir) با رعایت الزامات و ملاحظات مربوطه صورت‌داشتن سوال در خصوص اسناد استفاده ارزیابی کیفی و نحوه تکمیل آن متقاضیان می‌توانند نسبت به ارسال نامه به شماره نمابر ۰۲۱-۸۸۹۵۵۰۷۰۲۱ اقدام نمایند.

- آخرین مهلت ارسال پاسخ استاندارد ارزیابی کیفی:** دو هفته پس از آخرین مهلت دریافت اسناد استاندارد ارزیابی کیفی در سامانه مذکور بارگذاری نمایند.
- تاریخ و محل تحویل اسناد مناقصه:** متعاقبا به اطلاع واجدین شرایط خواهد رسید
- آخرین مهلت تحویل پیشنهاد و تاریخ گذاشتن پیشنهادها:** طبق تاریخ های مندرج در اسناد مناقصه.

لازم به ذکر است پیشنهادهای ارائه شده توسط مناقصه‌گران می‌بایست حداقل تا ۳ ماه از تاریخ تحویل پیشنهاد مالی معتبر باشد.

در صورت نیاز به اطلاعات در خصوص برگزاری مستندات در سامانه ستاد، متقاضیان می‌توانند با شماره تلفن ۵ و ۰۲۱-۸۲۷۶۲۶۰۰ تماس حاصل نمایند.

در صورت داشتن سوال در خصوص اسناد استفاده ارزیابی کیفی و نحوه تکمیل آن متقاضیان می‌توانند نسبت به ارسال نامه به شماره نمابر ۰۲۱-۸۸۹۵۵۰۷۰۲۱ اقدام نمایند.

- اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:**

مرکز تماس: ۱۴۵۶-۰۲۱

شرکت نفت و گاز پارس

روابط عمومی